

دکتر اسماعیل حاکمی

شیوه داستانسرای در ویس و رامین

بخش مهمی از ادب فارسی و مخصوصاً شعر را اشعار عاشقانه تشکیل می‌دهد. گذشته از غزل، مثنویهای عاشقانه نیز موضوعات عشقی و رمانتیک را شامل می‌گردد. بیشتر منظومه‌های عاشقانه در قالب مثنوی سروده شده‌است. موضوع این منظومه‌ها مربوط است به حیات روحی و ذوقی انسانها و بیش از همه متعلق است به حالات قلب: خواه عشق باشد خواه نفرت، عشق پاک و لطیف باشد یا عشق شهوانی و جسمانی.

قدیمیترین منظومه عاشقانه - تا آنجا که اطلاع داریم - وامق و عذرا است که گوینده آن عنصری شاعر معروف دربار سلطان محمود غزنوی است. البته عنصری منظومه‌های دیگری نیز داشته است مانند: (شادبهر و عین الحیات) و (سرخ بت و خنگ بت) ظاهراً بعد از وامق و عذرای عنصری، ویس و رامین نخستین منظومه عاشقانه است که بطور کامل به دست ما رسیده است.

ضمناً میدانیم که رودکی کلله‌ودمنه را به شعر در آورد و ابوالمؤید بلخی و بعد از او شاعری بنام بختیاری به نظم داستان (یوسف و زولیکھا) مبادرت کردند. داستان شیرین کنیزک ارمنی در شاهنامه فردوسی بعداً مبدأ کار نظامی در سرودن (خسرو و شیرین) شد. همچنین قسمتهای دیگری از شاهنامه نیز دارای برخی خصوصیات داستانهای رمانتیک و عاشقانه می‌باشد مانند: داستان زال و رودابه و بیژن و منیژه.

در پایان قرن ششم هجری نظم داستانها به وسیله یکی از ارکان شعر پارسی

یعنی نظامی گنجوی به حداعلای کمال رسید . نظامی چند داستان معروف را به نظم درآورد که عبارتند از: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه . خواجوی کرمانی گل و نوروز ، گوهرنامه و همای و همایون را ساخت .

فخرالدین اسعد گرگانی از داستانسرایان بزرگ ایران است . دوره شاعری و شهرت وی مصادف بوده است با عهد سلطنت طغرل بیگ سلجوقی (۴۲۹ - ۴۵۵ هجری) . از گفتاروی اینطور برمی آید که او در فتح اصفهان و توقف چندماهه در آن شهر با سلطان طغرل بیگ همراه بوده است .

در ملاقاتهایی که میان فخرالدین اسعد و ابوالفتح مظفر حاکم اصفهان دست می داده يك روز سخن داستان (ویس و رامین) بر زبان حاکم اصفهان رفت و مذاکرات آن دو به نظم داستان (ویس و رامین) انجامید .^۱

گوینده این منظومه با علوم رایج زمان مانند : فلسفه ، نجوم ، ادب ، معارف اسلامی و زبان پهلوی آشنائی داشته است .

برخی از تذکره نویسان قدیم مانند دولتشاه سمرقندی به اشتباه منظومه ویس و رامین را به نظامی گنجوی و نیز به نظامی عروضی نسبت داده اند . داستان (ویس و رامین) از داستانهای کهن فارسی است و باید بیش از عهد ساسانی و لاقل در اواخر عهد اشکانی پیدا شده باشد . احتمالاً فخرالدین اسعد داستان را از اصل پهلوی آن و یا تحریرهای فارسی به نظم در آورده است چنانکه خود شاعر در چگونگی به نظم در آمدن کتاب می گوید :

ندیدم زان نکوتر داستانی نماند جز به خرم بوستانی

و لیکن پهلوی باشد زبانش نداندهر که بر خواند بیانش ...

این داستان پیش از آنکه فخرالدین اسعد آنرا به نظم در آورد میان ایرانیان شهرت داشت و قدیمیترین کسی که در دوره اسلامی از این داستان در اشعار خود یاد کرده (ابونواس) است .

متن پهلوی داستان ویس و رامین چنانکه فخرالدین اسعد گفته است فاقد آرایشهای لفظی و معنوی بود و شاعر آنرا به حلیه نظم آراست و تشبیهات و استعارات

در آن به کاربرد .

کلام فخرالدین اسعد چه هنگام نقل و چه آنجا که از خود مطالبی در حکمت یا مدح می آورد در کمال سادگی و روانی است ، در نتیجه آنکه از متن پهلوی داستان (ویس و رامین) متأثر است بسیاری از کلمات و ترکیبات پهلوی را هنگام نقل به شعر خود راه داده است .

(ویس و رامین) از آن جهت که سراینده آن به بهترین نحو از عهده نظم آن بر آمده است بزودی مشهور و مورد قبول واقع شد ، لیکن چون در بسیاری از موارد دوازده موزین اخلاقی و اجتماعی محیط اسلامی ایران است ، از دوره غلبه عواطف در ایران و همچنین بعد از سروده شدن داستانهای منظوم نظامی و مقلدان وی ، از شهرت و رواج آن کاسته و نسخ آن کمیاب شد .

در داستان ویس و رامین ده نامه منظوم آمده است که از جانب ویس به رامین فرستاده شد و فخرالدین آنها را از متن اصلی کتاب به نظم در آورده است . برخی از شاعران دوره های بعد تحت تأثیر این ده نامه قرار گرفته و ده نامه هایی ساخته اند که از میان آنها می توان به ده نامه اوحدی مراغه ای و ده نامه ابن- عماد و ده نامه عارفی و ده نامه عماد فقیه کرمانی و فراق نامه سلمان ساوجی اشاره کرد .

دلایلی در دست است که قدمت این داستان را ثابت می کند . ضمناً از جای داستان برمی آید که این داستان متعلق به دوره ماقبل اسلام بوده است . صاحب مجمل التواریخ والقصص (سال تألیف ۵۲۰ هجری) می نویسد : « اندر عهدشاپور بن اردشیر - یعنی دومین پادشاه ساسانی - قصه ویس و رامین بودست و موبد برادر رامین صاحب طرفی بود از دست شاپور ، به مرو نشستی و خراسان و ماهان به فرمان او بود ... »

دلایلی نیز در دست است که تعلق این قصه را به عهد اشکانی ثابت می نماید ، زیرا هیچ يك از مردان و زنان این داستان و هیچ يك از وقایع آن با اشخاص و وقایع شاهنامه فردوسی مطابق نمی آید . بیشتر قهرمانان داستان از طبقه فرمانروا و

متنجم اجتماع اشکانیان انتخاب شده‌اند و از خلال موضوعاتی که در ضمن داستان ذکر شده آشکارا روشن می‌شود که فساد و تباهی در زندگانی زن و مرد، پیر و جوان و کوچک و بزرگ به نحو عجیبی راه یافته و مبانی اخلاقی بطور کلی سست شده است خواننده در ضمن مطالعه این داستان با نمونه های بسیاری از طرز زندگانی مردم ایران در قرون پیش از اسلام و عاداتها و سنتهای ایشان آشنا می‌شود.^۱

تأثیر آیین مزدیسنا در ویس و رامین کاملاً آشکاراست و واژه‌ها و نامهای : زردشت ، سروش ، آتشگاه ، جشنهای باستانی از قبیل : مهرگان و نوروز و غیره در این منظومه بارها به کار رفته است ، مانند :

سروش‌ان را به نام نیک بستود نیایشهای بسی اندازه بنمود

چو روز رام شاهنشاه کشور به می‌نشست با گردان لشکر... *

ویس و رامین دارای خصوصیات سبکی قدیم است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود :

۱- استعمال لفظ (کجا) به جای (که) حرف ربط :

من از بهر تو ایدر آمدستم کجا در مهر تو بیدل نشستم

۲- افزودن علامت جمع فارسی به دنبال صیغه های جمع عربی :

نوادرها و دولتهای دوران عجایبها و قدرتهای یزدان

۳- آوردن حرف (مه) نهی بر سرافعال :

بدو گفت ای بداندیش و بنفرین مه تو بادی و مه ویس مه رامین

۴- تخفیف در کلمات و ترکیبات :

چو این نامه بخوانی هر چه زودتر بکن تدبیر شهر آرای دختر

۵- سهل‌انگاری و وجود سکنه در رعایت اوزان عروضی :

چنان کن کت نیند دوست و دشمن به رامین بر پیام و نامه من^۲

*

۱- خلاصه ویس و رامین به کوشش دکتر جلال امینی (مقدمه)

۲- مقدمه ویس و رامین ، چاپ آقای دکتر محبوب ، تهران

برخی از شاعران تحت تأثیر ویس و رامین به سرودن مثنویهای عاشقانه پرداخته‌اند که از آن جمله حکیم نظامی گنجوی را باید نام برد که در منظومه (خسرو و شیرین) به قسمتهایی از ویس و رامین نظر داشته است.

ویس و رامین نه تنها در اصول بلکه در جریان کلیه وقایع مشابه به داستان عاشقانه (تریستان و ایزوت) شباهت دارد.

مشابهت میان این دو داستان انکارپذیر نیست. طرح اصلی داستان در هر دو منظومه یکی است: شاهی سالخورده خویشاوندی جوان و دلیر دارد که در ویس و رامین برادرشاه و در منظومه تریستان و ایزوت خواهرزاده اوست. شاه با دلبری جوان پیوند زناشویی می‌بندد، اما عروس و پهلوان دل به یکدیگر داده‌اند.

دنباله داستان در هر دو منظومه بیان رنج‌های است که این دودلداده در عشق برده‌اند. ملاقاتهای پنهانی و فراقهای پیاپی و قصد سیاست عاشقان از طرف شاه در دو داستان بهم مانند است. خدمتکار و ندیم ایزوت به دایه در ویس و رامین شباهت دارد. اما اختلاف اصلی میان این دو داستان در خاتمه آنهاست: عشق در تریستان و ایزوت به مرگ دو عاشق پایان می‌پذیرد، در حالی که در منظومه ویس و رامین سرانجام عاشقان وصل و خوشبختی و زندگانی دراز است...

نکته دیگر آنکه داستان تریستان پهلوانی تر و رزمی‌تر است و در داستان ویس و رامین جنبه بزمی غلبه دارد.^۱

فخرالدین گرجانی نیز مانند حکیم فردوسی در پایان هر بخش از کتاب، سخنان عبرت‌آموزی در فانی بودن جهان و بی وفائی روزگار آورده است چنانکه در ادبیات زیرمی‌بینیم:

فریب تو دگر نشنید خواهم

جهانا من ز تو ببری خواهم

همان نابوده را تیمار خوردن

چه باید رفته را اندوه خوردن

فهرست منابع و مآخذ کلی

- ۱- سخن و سخنوران، تألیف شادروان استاد فروزانفر
- ۲- تاریخ ادبیات ایران، تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا (جلد دوم)
- ۳- فرهنگ ایران‌زمین، (جلد چهارم) مقاله پروفسور مینورسکی، ترجمه آقای مقربی
- ۴- مقدمه ویس و رامین، به کوشش آقای دکتر محمدجعفر محبوب
- ۵- مقدمه نریستان و ایزوت، تألیف ووزف بدیه، ترجمه آقای دکتر خانلری
- ۶- جام جهان‌بین، مجموعه مقالات آقای دکتر محمدعلی اسلامی ندوش
- ۷- چند نکته درباره ویس و رامین، از صادق هدایت (مجله پیام نو، سال اول)
- ۸- مقاله شادروان استاد مجتبی مینوی، مندرج در مجله سخن (دوره ششم)، شماره ۲۰۱
- ۹- آتشکده آذر، باحواشی آقای دکتر حسن سادات ناصری (جلد ۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی